

بررسی مقوله « تأکید » در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

جلال الدین جلالی

مقدمه

سخنوران و نویسندگان از روشهای گوناگون و متنوعی با هدف ایجاد زمینه مطمئن در ذهن مخاطب و همچنین محکم کردن کلام خود استفاده می‌کنند. از جمله این روشها کاربرد تأکید در کلام است. هدف از تأکید برطرف کردن هرگونه شک و شبهه از ذهن مخاطب و مطمئن ساختن وی از اهمیت و حقیقت امر و همچنین اثرگذاری است. تأکید در شرایطی بایسته می‌شود که متکلم، مخاطب (مخاطبان) را مردد یا منکر موضوع (حکم) بپندارد. بدیهی است میزان شدت و ضعف تأکید را مخاطب برای متکلم رقم می‌زند؛ به این معنا که هر قدر مخاطب بیشتر منکر گزاره مورد نظر فرض شود، تأکید با شدت و شمار بیشتری بیان می‌شود. از این رو، در گزاره‌های انکاری قرآن که مخاطب منکر حکم فرض می‌شود، شمار تأکیدها بر اساس شدت انکار فزونی می‌یابد. به عنوان مثال، خدای تعالی در آیه‌های ۱۵ و ۱۶ سوره مبارکه «مؤمنون» می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ. ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ» (آنگاه قطعاً شما [انسانها بعد از خلقت و زندگی] خواهید مرد و محققاً در روز قیامت برانگیخته می‌شوید). به لحاظ اینکه مخاطبان، منکر انگاشته شده‌اند، در آیه ۱۵ از سه مؤکد یعنی ادات «إِنَّ» و «وَأَجَّ» و «وَأَجَّ» تمایز دهنده «أل» و همچنین جمله اسمیه استفاده شده است. در اصطلاح اهل بیان به این نوع تأکید «تأکید مضاعف» گفته می‌شود. ولی در آیه ۱۶ به دلیل قطعیت حدوث و وقوع

□ ۲۵ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

امر پیرامون «رستاخیز» شمار تأکیدها به دو (إِنَّ و جمله اسمیه) کاهش یافته است. در حالی که در گزاره‌های ابتدایی، تأکیدی به کار گرفته نمی‌شود. علت این امر خالی بودن ذهن مخاطب از هر نوع انکار و تردید است. چنانچه مخاطب مردد باشد یا حکم برای او کاملاً روشن نباشد، استفاده از تأکید اعم از لفظی یا معنوی جهت تثبیت مطلب و رفع هر گونه شک و شبهه ضروری به نظر می‌رسد. در مواردی که متکلم (نگارنده) با پیش فرض مردد دانستن مخاطب نسبت به موضوع (حکم) و برطرف کردن زمینه تردید و قطعیت موضوع، از تأکید استفاده می‌کند.



ضرورت کار بست تأکید با استفاده از سازوکارهای متناسب و متعارف تحت شرایط خاص و در چهارچوب موقعیت حاکم بر سخن، تعیین و مشخص می‌شود. منعکس کردن مؤکد در زبان مقصد بدون در نظر گرفتن سازوکارهای مناسب و ظرفیتهای آن زبان، فرایند بی‌سرانجامی خواهد بود. اتخاذ چنین روشی در ترجمه نه تنها هیچ مشکل ساختاری - معنایی را حل نمی‌کند، بلکه بر مشکلات موجود خواهد افزود. به خاطر داشته باشیم برقراری تعادل در ترجمه با به کارگیری

هنجارهای طبیعی موجود در زبان محقق می‌شود، نه تحمیل هنجارهای زبان مبدأ بر زبان مقصد. گونه تأکید قرآنی ویژه قرآن است و قابلیت نحوی - معنایی آن حوزه را دارد و به هیچ عنوان نباید به بهانه وفاداری به متن زبان مبدأ آن را بر زبان مقصد تحمیل کرد. به عنوان مثال عدول از فعل امر به استفهام یکی از سازوکارهای متداول و متعارف قرآنی است که با هدف ایجاد تأکید به کار گرفته می‌شود، ولی چنین سازوکاری در زبان انگلیسی از قابلیت تأکید برخوردار نیست. آنچه مترجم باید به آن توجه و التزام عملی داشته باشد اتخاذ شیوه متناسب در برقراری تعادل متنی با در نظر گرفتن عوامل زبانی و غیرزبانی اثرگذار است. چه بسا در دو زبان (مبدأ و مقصد) گونه‌ای از تأکید با گونه دیگر به لحاظ شکلی متفاوت باشد ولی از نظر محتوای معنایی ممکن است همسنگ باشد. بنابراین معیار انعکاس و به کارگیری تأکید در زبان مقصد تعادل معنایی است.

در این نوشتار به جهت محدود بودن حوزه بررسی، فقط به مقوله تأکید پرداخته شده و از هرگونه اظهار نظر پیرامون تعادل و ازگانی، ساختاری، بافتاری و مانند آن صرف نظر شده است. خاطر نشان می‌شود سازوکارهای تأکید در زبان عربی (قرآن) بسیارند، ولی به جهت محدودیت، ناگزیر فقط به مواردی از آنها اشاره می‌شود. پیش از پرداختن به سازوکارهای تأکید در قرآن و بررسی مقوله تأکید در برگردان‌های انگلیسی، ابتدا مفهوم تأکید و گونه‌های آن در زبان قرآن و سپس در زبان انگلیسی اجمالاً از نظر خواهد گذشت. در بررسی برگردانهای انگلیسی به تأکید معنوی و لفظی با تمرکز بر تأکید همراه با تکرار، تکرار عامل، تکرار ضمیر، تکرار واج، تکرار استثنا، تکرار معنایی، عطف مترادف، تجرید، وصف، افزایش خنثی، کاربرد مصدر پس از فعل، تأکید با قسم، تقدم معمول بر عامل و تأکید بلاغی با محدودیت موضوع به حصر و شیوه‌های حصر، کاربرد اسم به جای ضمیر و سرانجام تکرار و تقدیم مستندآلیه نیز پرداخته خواهد شد.

پس از ذکر هر آیه، ترجمه فارسی آن، به جهت سهولت در درک و دریافت معنا، بین دو قلاب آورده می‌شود. در برگردان‌های فارسی آیه‌ها از ترجمه قرآن حکیم اثر شادروان طاهره صفارزاده و نیز از ترجمه انگلیسی قرآن اثر پیکتال، ایروینگ و عبدالله یوسف علی استفاده شده است. هدف نگارنده، بررسی مقوله تأکید در دو زبان مبدأ و مقصد و همچنین سازوکارهای انعکاس این مقوله در زبان انگلیسی در جهت برقراری تعادل در ترجمه است.

مفهوم تأکید

از نظر لغوی، تأکید به معنای «محکم کردن» است. چنانچه مخاطب را منکر موضوع (حکم) یا نسبت به موضوع مورد نظر مردد فرض کنیم، به نسبت میزان انکار یا تردید مخاطب، از یک یا چند تأکید استفاده می‌شود. کارکرد معنایی تأکید را می‌توان نوعی اطمینان بخشیدن به مخاطب و قطعیت در کلام دانست. شاید بتوان انگیزه‌های تأکید را ترغیب، تحذیر، سرزنش، آگاهی دادن به مخاطب و بخاطر سپاری دانست. به طور کلی، فایده تأکید، تثبیت موضوع و رفع شک و شبهه از ذهن مخاطب (مخاطبان) است.

به لحاظ ساختاری، تأکید در زبان عربی از انواع توابع شمرده می‌شود. توابع به واحدهای زبانی گفته می‌شود که به طور غیرمستقیم تحت تأثیر عوامل نحوی موجود در پاره‌گفتار

□ ۲۷ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

(utterance) قرار می‌گیرند، ولی خود عامل نحوی به شمار نمی‌آیند. شناخت تأکید از طریق شرایط حاکم بر موقعیت ارتباطی کلام، تأثیر ادراکی مخاطب، عناصر و عوامل شبه زبانی و زبرنجیری میسر می‌شود.

گونه‌های تأکید در زبان قرآن

منطقیان گزاره‌های قرآنی را به سه زیرمجموعه تأسیسی، تأکیدی و غیرمؤکد طبقه‌بندی کرده‌اند. در شرایطی که متکلم از گفته خود معنای جدیدی را اراده کند، کلام وی حمل بر تأسیس (فرض) می‌شود، و گزاره ایشان از نوع تأسیسی خواهد بود. چنانچه متکلم، آن کلام را در مراتب بعدی به کار گیرد و یا کلام را همراه با ادات تأکید، اعم از لفظی یا معنایی (صناعی) بیان نماید، کلام حمل بر تأکید تلقی خواهد شد. در آن صورت، گزاره مورد نظر از نوع تأکیدی خواهد بود. گزاره‌های غیر مؤکد با این پیش فرض بیان می‌شوند که مخاطب ذهنیتی عاری از هرگونه شک و تردید پیرامون موضوع (حکم) مورد نظر داشته باشد. در گزاره‌های مؤکد، بر اساس شدت و ضعف تردید یا انکار مخاطب، از یک یا چند مورد تأکید، به هدف برطرف کردن شک و تردید و روشن تر و واضح تر کردن حکم استفاده می‌شود. در گزاره‌های تأکیدی گونه لفظی یا معنوی (صناعی) و در مواردی هر دو نوع به کار گرفته می‌شود. برای روشن تر شدن موضوع و شناخت بهتر از تفاوت موجود بین این دو گونه تأکید به توضیحات ذیل توجه کنید.

تأکید لفظی - این نوع تأکید مشتمل بر تکرار واژه، گروه واژه و جمله‌واره یا مترادف آن است. مورد تکرار ممکن است اسم، ضمیر، فعل یا جمله باشد.

تأکید معنوی یا صناعی - گونه دیگر تأکید که معمولاً با لفظ بیان می‌شود، تأکید معنوی یا به عبارتی تأکید صناعی گفته می‌شود. واژگان خاصی که تأکید معنوی را در جمله محقق می‌کنند عبارتند از: «نفس»، «عین»، «کل»، «جمیع»، «عامه»، «اجمع»، «کلا» و «کلتا» به معنای «خود»، «همه»، «همگی»، «هر دو». توجه داشته باشیم که واژگان «کلا» و «کلتا» فقط برای اسمها و ضمایر مثنی به کار گرفته می‌شوند.

تفاوت تأکید لفظی با تأکید معنوی این گونه است که در تأکید لفظی عین واژه یا مترادف آن، به کار می‌رود، ولی در تأکید معنوی از واژگان نوین خاصی در متن استفاده می‌شود.



گونه‌ها و سازوکارهای تأکید در زبان انگلیسی

هری شاو (Harry Shaw, 1986 - pp. 326-330)

استفاده از تأکید در زبان انگلیسی را در شرایط خاص این گونه توصیف کرده است:

۱. استفاده از واژگان مهم در بخش آغازین یا پایانی

پاره گفتار

۲. چینش مجموعهٔ واژگان براساس درجهٔ اهمیت (از

کم اهمیت تا پر اهمیت)

۳. کاربرد جملات معلوم البته با توجه به شرایط حاکم

بر سخن

۴. استفاده از جملات تعلیقی که نیازمند تکمیل باشند. معنا در این نوع جملات کامل ارائه

نمی‌شود و خواننده باید به حالت تعلیقی به خوانش خود ادامه دهد تا به سرانجام برسد.

۵. کاربرد چینش واژگونه یا قلب inverted order

۶. تکرار واژگان یا گروه واژگان مهم

۷. استفاده از سازه‌های همسنگ (همپایه)

گرامیلی (Gramily, 1992) علاوه بر کاربرد موارد مذکور، استفاده از الفاظ ثابت و تنوع

سبکی در بیان گفته‌ها و نیز جابجایی اطلاعات موجود در جمله را برای تأکید لازم می‌داند.

مسنجر و تیلور (Messenger & Taylor, 1989) موارد ذیل را علاوه بر اصول مذکور

حایز اهمیت دانسته‌اند:

۱. کاربرد هدفمند جملات کهنین (Minor sentences)

۲. استفاده از فعل do قبل از فعل اصلی

۳. استفاده از ساختارهای It is/was...that... یا What + subject + verb + be ...

۴. تغییر سبک و سیاق

۵. کاربرد افعال کمکی همراه با بیان تکیه دار کردن آنها

۶. تغییر در تکیه / فشار هسته‌ای بر دیگر واژگان و نواخت جمله

۷. استفاده از واژه یا گروه واژه‌های برجسته، پررنگ کردن یا ایتالیک کردن آنها

□ ۲۹ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

لیچ (Leech, 1983) علاوه بر راهکارهای فوق‌الذکر، موارد زیر را مطرح کرده است:

۱. استفاده از قیدهای تشدید کننده / توصیف‌کننده‌هایی مانند:

...very, indeed, definitely, really, truly

۲. کاربرد سازه‌هایی با so یا such

۳. استفاده از گروه واژه at all در جملات نفی دقیقاً پس از کلمات نفی مانند:

I found **nothing at all** the matter with him.

۴. تأکید نفی که عمدتاً در آغاز جملات قلب شده می‌آید، مانند:

Never have I seen such a crowd of people.

۵. امر یا تقاضای تأکیدی با استفاده از فعل do مانند: Do sit down

۶. کاربرد ضمائر انعکاسی - تأکیدی

افزون بر این، کوئیرک و دیگران (۱۹۸۷) موارد زیر را به عنوان سازوکارهای تأکیدی جهت محکم (محکم‌تر) کردن کلام در زبان انگلیسی معرفی کرده‌اند.

۱. به کارگیری صفت‌های تشدید کننده مانند:

certain, true, clear, pure real, plain, simple, outright, sheer, sure همراه با

اسم. مثال:

a real hero (قهرمان واقعی)

۲. استفاده از قید certainly در جملات مثبت و گروه واژه at all در جملات منفی

۳. محدودیت‌های باهم‌آیی تأکیدها: کاربرد قیدهایی که لیچ مطرح کرده است به همراه

صفت و در مواردی صفت و اسم، مانند: clearly a dangerous man = صفت + اسم + صفت +
(حرف تعریف) + قید

۴. کلمات تأکیدی که در جمله واژه‌های منفی به کار گرفته می‌شوند شامل:

I یا I don't really know him for certain, for sure, definitely, actually, really, for certain, for sure I can't tell you for sure: مثال

۵. همچنین قیدهایی نظیر really, definitely, actually در جملات امری (یا نهی)، مثال:

Don't actually hate him for it - it wasn't really his fault.

۶. قید always پس از فعل can یا could به مفهوم certainly خواهد بود و در نتیجه تأکید

□ ۳۰ ترجمان وحی

را به همراه خواهد داشت. مثال: You can always sleep on the floor. (مطمئناً می توانی روی زمین بخوابی).

۷. قید well پس از افعالی نظیر may, might, can, could در جمله به مفهوم indeed خواهد بود. مثال:

It may well be true that Jack beat John.

(شاید حقیقت داشته که جک، جان را شکست داده)

ملاحظه می شود، علی رغم وجوه مشترک که آن هم با توجه به شرایط حاکم بر فرایند سخن تعیین می شود، نکات بسیار ظریف و در عین حال نقش آفرینی وجود دارد که می تواند مترجم را در این وادی به بیراهه یا در صورت درایت به معنای مراد برساند. آن گونه که پیشتر عنوان شد، سازوکارهای یک مقوله نحوی در یک زبان را نمی توان عیناً و بدون در نظر گرفتن شرایط و عوامل حاکم بر سخن در زبان دیگر به کار گرفت. توجه داشته باشیم که سازوکار به کار گرفته شده در زبان مقصد باید تأثیری همانند یا حداقل شبیه به زبان مبدأ را به وجود آورد.

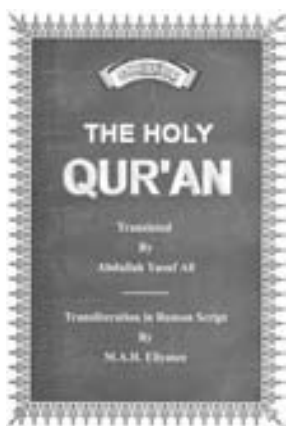
بررسی چگونگی انعکاس تأکید در متون ترجمه شده انگلیسی

در قرآن از سازوکارهای متنوع و متفاوتی در مهم و مؤکد کردن بخشی از سخن استفاده شده است. از جمله این سازوکارها تأکید معنوی، تأکید با تکرار (عامل، واج، ضمیر، استثنا، عطف مترادف، افزایش خنثی و...)، تأکید با قسم تقدم معمول بر عامل، تأکیدهای بلاغی با استفاده از حصر، استفاده از اسم به جای ضمیر، تکرار و تقدیم مسندآلیه است که به ترتیب همراه با برگردان انگلیسی آیه‌ها مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرند. هدف از این بررسی عبارت است از مشاهده اینکه مترجمان زبان انگلیسی جدای از فضای هرمنوتیک از چه روش و سازوکارهایی در جهت درک مقوله تأکید در زبان مبدأ بهره جسته‌اند و چه تمهیداتی را در جهت انعکاس تأکید به زبان مقصد اندیشیده‌اند، و سرانجام اینکه آیا این نوع ترجمه به مخاطبان کمکی در جهت کشف معنای مراد می‌کند یا خیر.

۱. تأکید معنوی: پیشتر به واژگان مورد استفاده در تأکید معنوی اشاره شد. نمونه‌های فراوانی از تأکید معنوی را در قرآن می‌توان یافت، ولی به لحاظ محدودیت و فراهم کردن فضا

□ ۳۱ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

برای گونه‌های دیگر تأکید به ذکر یک مورد بسنده می‌شود. سوره حجر، آیه ۳۰ نمونه بارز تأکید معنوی است که توجه مخاطبان را به تأکید، تعمیم و عمل جمعی منعطف می‌کند. ضمن توجه به سه مورد مذکور، سازوکار مترجمان در برقراری تعادل سازه‌ای مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. خداوند سبحان می‌فرماید: «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» (پس فرشتگان همگی [بنا به امر الهی] تعظیم کردند)



So the angels fell prostrate, all of them together. (Pickthall, p. 245)

The angels all bowed down together. (Irving, p. 263)

So the angles prostrated themselves, all of them together. Yusuf Ali, p. 263)

در این آیه تأکید با استفاده از گروه واژه «كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» محقق شده است. واژه «کل» تعمیم‌دهنده عملی است که توسط عاملین (فرشتگان) انجام شده و این گونه تعمیم با استفاده از واژه «اجمعون» جامه عمل

پوشیده است. شرایط حاکم بر موقعیت ارتباطی سخن «اجمعون» را این گونه معنا می‌کند: «همه فرشتگان سجده کردن را به صورت جمعی انجام داده‌اند». در برگردان انگلیسی، تعمیم در هر سه ترجمه به درستی منعکس شده است، لیکن انجام عمل (سجده کردن) در ترجمه عبدالله یوسف علی به طور مشخص نمود پیدا کرده است. عبدالله یوسف علی با استفاده از سازوکار ضمیر انعکاسی - تأکیدی ترجمه مناسبی از حیث انعکاس تأکید ارائه داده است. این در حالی است که پیکتال و ایروینگ برگردانی خالی از تأکید و تعمیم پیشنهاد داده‌اند.

۲. تأکید لفظی: منظور از تکرار لفظی تکرار واج، واژک، واژه، گروه واژه یا جمله‌واره است. علمای علم فصاحت و بلاغت انگیزه تأکید را تقریر کلام یا بخشی از کلام قبلی می‌دانند. متکلم با این پیش‌انگاره که مخاطب توجه لازم و معمول به مضمون کلام ندارد، آن بخش از کلام را تکرار می‌کند.

محدوده بررسی حاضر به تأکید با تکرار، تکرار عامل (فاعل)، تکرار ضمیر و تکرار واج، تکرار استثنا، تکرار معنایی، عطف مترادف، تجرید، وصف، افزایش خشی و کاربرد ضمیر

پس از فعل آغاز و به سرانجام می‌رسد.

۲-۱. تأکید با تکرار - نوعی تأکید لفظی است که در اسم، فعل، مضاف، حرف، معرفه، نکره، ضمیر متصل و جمله‌واره مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای درک بهتر موضوع به پنج آیه نخست سوره مبارکه «نبا» توجه کنید که می‌فرماید: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ. عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ. الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ. كَلَّا سَيَعْلَمُونَ. ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ».

(این مردم درباره چه چیزی از یکدیگر سؤال می‌کنند؟ سؤال درباره خبر بزرگ رستاخیز است؛ که بسیاری از آنها درباره آن اختلاف نظر دارند) مؤمن عقیده دارد و کافر آن را نفی می‌کند) (آنچه کافران می‌گویند درست نیست) به زودی متوجه اشتباه خود خواهند شد و خواهند فهمید (باز هم آنچه بی‌باوران می‌پندارند و می‌گویند درست نیست) به زودی خواهند دانست).

بعضی از زبان‌شناسان بر این باورند که کاربرد «ثُمَّ» و جملات وعید پیشین و پسین نوعی تهدید و تأکید را به مخاطب انتقال می‌دهند. از جنبه معناشناختی، شدت معنایی جمله پسین از جمله پیشین بیشتر است. این ویژگی نحوی - معنایی همان طوری که ملاحظه می‌شود در برگردان تفسیری فارسی به سختی قابلیت انعکاس پیدا کرده است. حال به ترجمه انگلیسی آیات مذکور توجه کنید:

Whereof do they question one another? (It is) of the awful tidings, concerning which they are in disagreement. Nay but they will come to know! Nay, again, but they will come to know ! (Pickthall, p. 602)

What are they questioning one another about? About an important an announcement which they are disagreeing over. However they soon will know! Then indeed they shall know! (Irving, p. 582)

Concerning what are they disputing? Concerning the Great News. About which they cannot agree. Verily, they shall soon (come to) know! Verily, verily they shall soon (come to) know! (Yusuf Ali, p. 582)

مشاهده می‌شود که تأکید در هر سه ترجمه به نوعی منعکس شده است، ولی نشانه‌ای از تهدید و تشدید در جملات پسین با توجه به شرایط حاکم بر موقعیت ارتباطی سخن در زبان مقصد دیده نمی‌شود. بنابراین، آن احساس و انگیزشی که از خوانش آیه‌های ۴ و ۵ به خواننده

□ ۳۳ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

زبان مبدأ دست می دهد، به خواننده زبان مقصد (انگلیسی) منتقل نشده است. نمونه دیگر، سوره طارق، آیه ۱۷ است که می فرماید: «فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا» (پس ای پیامبر! این کافران را تا زمان تعیین شده قدری مهلت بده و با آنها مدارا کن [تا آن زمان که تقدیر کیفرشان بر آنها مسلط شود؛ آنها مطمئناً گریزی از تمهیدات الهی نخواهند داشت]). مفهوم محوری آیه که به هدف تثبیت مطلب مهمی در ذهن مخاطب سه بار تکرار شده است، عبارت است از: «مَهِّلِ الْكَافِرِينَ / أَمْهَلُهُمْ / رُوَيْدًا». البته جمله وارۀ «أَمْهَلُهُمْ» مؤکد جمله وارۀ «مَهِّلِ الْكَافِرِينَ» و مصدر ترخیم «رُوَيْدًا» مؤکد «أَمْهَلُهُمْ» است. از این رو به لحاظ بلاغی «رُوَيْدًا» تأکید مضاعف شمرده می شود. حال به برگردان انگلیسی آیه توجه کنیم و ببینیم مترجمان تا چه حد توانسته اند موارد ذکر شده را در متن ترجمه بازآفرینی کنند.

So give a respite to the disbelievers. Deal thou gently with them for a while. (Pickthall, p. 618)

So put up with disbelievers; put up with them as long as you can. (Irving, p.591)

Therefore grant a delay to the unbelievers Give respite to them gently (for a while) (Yusuf Ali, p. 591)

در هیچ یک از ترجمه های فوق کاربرد تأکید اعم از مفرد یا مضاعف دیده نمی شود. به نظر می رسد مترجمان با توجه به داده های روساختی متن زبان مبدأ ترجمه ای شکل محور و بدور از تأثیرات عوامل نحوی بر واحدهای معناشناختی ارائه داده اند.

۲-۲. تکرار عامل - نمونه تکرار عامل در قرآن فرموده حق تعالی در سوره مؤمنون، آیه ۳۶ است که در آن واژه مبالغه ای «هیئات» به جهت تأکید تکرار شده است. افزون بر این، در این آیه عدول از بُعد که نوعی سازوکار تأکید است، شرایط حاکم بر موقعیت ارتباطی سخن را به تأکید مضاعف تبدیل کرده است. نخست به آیه و برگردان فارسی آن دقت کنیم، سپس به ترجمه های انگلیسی و بررسی آن بپردازیم. خدای تعالی می فرماید: «هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ» (بعید است، بسیار بعید است آنچه به شما وعده داده می شود).

Begone, begone, with that which ye are promised! (Pickthall, p. 331)

Away, off with whatever you are threatening with! (Irving, p. 344)

Far, very far is that which ye are promised! (Yusuf Ali, p. 344)

باید اذعان کرد که انعکاس تأکید مضاعف در زبان انگلیسی به دلایل زبانشناختی غیرممکن به نظر می‌رسد. از این رو از مترجم انتظار می‌رود با ارائه توضیحات در پاورقی مخاطب را از وجود چنین مقوله‌ای در متن زبان مبدأ آگاه کند. اما انعکاس تأکید مفرد با استفاده از سازوکارهای موجود در زبان انگلیسی امکان‌پذیر است. به دلیل وجود سازوکارهای متنوع تأکید مفرد در زبان انگلیسی برگردان آن با توجه به بافت کلام به سهولت انجام می‌شود.

تأکید در برگردان عبدالله یوسف علی با استفاده از سازوکار تکرار و قید تشدید کننده به درستی انجام شده است. ایروینگ با به کار بستن واژه ندائی «away» در جایگاه آغازین تأکید را به نوعی بیان کرده است. پیکتال با استفاده از تکرار واژه شاعرانه begone برگردانی همراه با تأکید مفرد ارائه داده است.

۲-۳. تکرار ضمیر - چنانچه اسم ظاهر بر ضمیر مرفوع متصل عطف گرفته شود باید با ضمیر منفصل (جدا) تأکید شود. نمونه این نوع تأکید را می‌توان در سوره بقره، آیه ۳۵ یافت. حق تعالی می‌فرماید: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ...» (و [آنگاه] فرمودیم: «ای آدم! با همسرت در این باغ سکونت گزینید...»)

در اینجا اسم ظاهر «زَوْجُ» بر ضمیر متصل «كَ» عطف شده و همراه با ضمیر «أَنْتَ» مؤکد شده است. این سازوکار تأکید از ظرفیتهای ویژه زبان قرآنی (عربی) است که انتقال درون‌متنی آن به زبان انگلیسی امکان‌پذیر نیست. به برگردان انگلیسی آیه توجه کنید:

And We said, O Adam! Dwell thou and thy wife Garden,... (Pickthall, p. 9)

We said: "Adam, settle down in the Garden, both you and your wife (Irving, p. 6)

And we said: O Adam! dwell thou and thy wife in the Garden...(Yusuf Ali, p. 6)

همان طوری که پیشتر مطرح شد، تکرار ضمیر یکی از سازوکارهای تأکید در زبان عربی است که برگردان آن به صورت تکرار ضمیر در زبان انگلیسی بدون توجه به موقعیت ارتباطی سخن، دلالت بر تأکید نمی‌کند. بنابراین، کاربرد ضمیر فاعلی (you/thou) و صفت ملکی (thy/your) در یک جمله زبان انگلیسی به هیچ عنوان نشانه تأکید نیست.

۲-۴. تکرار واج - تکرار واج در زبان قرآن به هدف تأکید به کار گرفته می‌شود. به عنوان

□ ۳۸ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

مثال تکرار واج / ف / در واژه «فَفِي» سوره مبارکه «هود»، آیه ۱۰۸ است که می فرماید: «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا...» (و اما نیکیبخت ها تا آسمان و زمین برپاست در بهشت جاوید خواهند ماند...) این سازوکار ویژه قرآن است و قابلیت انتقال به زبان انگلیسی را ندارد. به برگردان انگلیسی آیه و عدم توانایی مترجمان در بازآفرینی سازوکار تأکید توجه کنید:

And as for those who will be glad (that day) they will be in Garden, abiding there so long... (Pickthall, p. 16)

Those who have found happiness will be in the Garden, living there so long ... (Irving, p. 223)

And those who are blessed shall be in the Garden they will dwell therein so long... (Yusuf Ali, p. 233)

استفاده از واژگان there و therein به عنوان معادلی برای واژه مؤکد «فَفِي» سازوکار مناسبی در جهت انعکاس تأکید شمرده نمی شود.

۵-۲ تکرار استثنا - شیوه دیگر تأکید، تکرار واژه استثنا (الّا) در کلام است. در قرآن کریم از این سازوکار تأکیدی کمابیش استفاده شده است. نمونه تکرار استثنا را می توان در سوره شریفه «انعام»، آیه ۵۹ یافت. قادر مطلق می فرماید: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقِهِ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (و کلیدهای عالم غیب تنها نزد خداوند است و جز او هیچ کس به آنها علم ندارد؛ و خداوند به آنچه در خشکی و دریا موجود است علم دارد؛ هیچ برگگی از درخت نمی افتد، مگر آنکه خداوند از آن اطلاع دارد و هیچ بذری در نهان زمین قرار نمی گیرد مگر آنکه خداوند از چگونگی آن باخبر است و هیچ خشک و تری، / هیچ مخلوق و موضوعی / نیست که ذکر آن در کتاب روشنگر حقایق الهی نیامده باشد).

اکنون در برگردان انگلیسی آیه دقت کنید:

And with Him are the keys of the Invisible. None but He knoweth them. And He knoweth what is in the land and the sea. Not a leaf falleth but He knoweth it, not a grain amid the darkness of the earth, naught of wet or dry but (it is noted) in a clear Record. (Pickthall, p. 124)

He holds the keys to the Unseen; only He knows them! He knows whatever exists on land and at sea; no leaf drops down unless He knows it, nor any seed {lies} in the darkness of the earth, nor any tender {shoot} nor any withered {stalk} unless it is {written down} in a clear Book. (Irving, p. 134)

With Him are the keys of the Unseen, the treasures that none knoweth but he. He knoweth whatever there is on the earth and in the sea, not a leaf doth fall but with His knowledge; there is not a grain in the darkness (or depths) of the earth, nor anything fresh or dry (green or withered), but is (inscribed) in a Record Clear (to those who can read). (Yusuf Ali, p. 134)

به طور مشخص در ترجمه‌های انگلیسی علی‌رغم تکرار واژگان استثنا but/unless تأکیدی به چشم نمی‌خورد. دلیل آن کاملاً روشن است؛ دستگاه نحوی - معنایی زبان انگلیسی ظرفیت بازتاباندن این نوع تأکید با چنین ویژگی‌هایی را ندارد. تنها راهکار موجود، توضیح مطلب در پاورقی است.

۶-۲ تکرار معنایی - منظور از تکرار معنایی، تکرار بخش یا کل معنای پیشین است. این نوع تکرار در اشکال و قالب‌های گوناگونی از جمله حال تأکیدی، مفعول مطلق تأکیدی و عطف مترادف مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه در حال تأکیدی حایز اهمیت است مؤکد کردن مضمون جمله پیشین است. خداوند سبحان در سوره مبارکه «بقره»، آیه ۲ می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (این کتاب (مجید) که در (حقانیت) آن هیچ شک و تردیدی وجود ندارد، راهنمای پرهیزکاران است):

ملاحظه می‌کنید که جمله‌واره «لَا رَيْبَ فِيهِ» مضمون جمله‌واره پیشین یعنی «ذَلِكَ الْكِتَابُ» را مورد تأکید قرار می‌دهد. حال به برگردان انگلیسی این آیه و سازوکار تأکید مترجمان توجه کنید:

This is the Scripture whereof there is no doubt, a guidance unto those who ward off (evil). (Pickthall, p. 6)

This is the Book which contains no doubt; it means guidance for those who do their duty, (Irving, p. 2)

This is the Book; in it is guidance sure, without doubt, to those who fear Allah; (Yusuf Ali, p. 2)

□ ۳۷ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

صرف نظر از عدم تعادل واژگانی که توضیح آن از حوصله این مقال خارج است، تأکید در ترجمه عبدالله یوسف علی به نسبت پیکتال و ایروینگ نمود برجسته‌تری دارد. در اینجا سازوکار تأکید به مدد واژگان محقق شده است.

تأکید از طریق مفعول مطلق به گونه‌ای صورت می‌پذیرد که یک واحد زبانی (مثلاً مصدر) هم معنای پیشین را به نوعی مورد تأکید قرار می‌دهد. به جمله‌واره و گروه‌واژه «تُقَرَّبُكُمْ» و «زُلْفَى» در سوره شریفه «سبا»، آیه ۳۷ دقت کنید. حق تعالی می‌فرماید: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِاللَّيْنِ تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا...» (مال و اولاد شما مردم وسیله تقرب شما به ما [خداوند متعال] و یا دلیل فضیلت شما نیست اما کسانی که اهل ایمان باشند و اعمال شایسته داشته باشند [از امتیاز تقرب برخوردارند]).

And it is not your wealth nor your children that will bring you near unto Us, but he who believeth and doth good (he drawth near) (Pickthall, p. 424)

It is not your wealth nor your children that will bring you close to Us in patronage; only someone who believes and acts honorably (will do so) (Irving, p. 432)

It is not your wealth nor your sons, that will bring you nearer to Us in degree; but only those who believe and work righteousness... (Yusuf Ali, p. 432)

در این آیه، واژه «زُلْفَى» به عنوان مصدر و هم‌معنای جمله‌واره «تُقَرَّبُكُمْ» نقش تأکید را ایفا می‌کند. پیکتال تکرار را بین دو قلاب آورده، ولی تأکیدی در متن ترجمه دیده نمی‌شود. ایروینگ با استفاده از واژه only و جمله‌واره تصدیقی بین دو قلاب معنا را به نوعی انتقال داده است. عبدالله یوسف علی به گونه‌ای تأکید را با به کارگیری دو واژه but و only به مخاطبان خود ارائه داده است؛ نکته جالب توجهی که عبدالله یوسف علی به کار گرفته استفاده از your sons به عنوان معادلی برای «أَوْلَادُكُمْ» (فرزندان شما) است. این برداشت مبتنی بر نگرش جامعه‌شناختی زبان اوست که ریشه در باورهای جامعه قبایلی شبه جزیره عربستان دارد که اولاد ذکور را مایه فخر و مباهات می‌دانستند.

۱-۷-۲ عطف مترادف: عطف به مفهوم چرخش و بازگشت است و منظور از عطف مترادف، بازگشت واژه یا گروه‌واژه به مترادف پیشین با هدف برقراری تأکید است. نمونه این

سازوکار تأکید را می‌توان در سوره مبارکه «یوسف» آیه ۸۶ مشاهده کرد. خدای تعالی می‌فرماید: «قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ...» (یعقوب گفت: من از درد و غم خود تنها نزد خداوند شکوه می‌برم؛...)

He said: I expose my distress and anguish only unto Allah... (Pickthall p. 227)

He said: I complain only to God about my sorrow and my sadness through God... (Irving, p. 245)

He said: I only complain of my distraction and anguish to Allah... (Yusuf Ali p. 245)

صرف نظر از کاستیهای موجود در ایجاد تعادل واژگانی، تأکید در هر سه برگردان با استفاده از سازوکار قید تأکیدی only جامه عمل پوشیده است. متتهای مراتب، پیکتال و ایروینگ بر Allah/God تأکید داشته‌اند، در حالی که عبدالله یوسف علی تأکید را بر واژه complain (شکوه) قرار داده است. بدیهی است، حرکت قید در پاره‌گفتار به اهداف معنایی گوناگونی انجام می‌شود. توجه به این مهم، ما را از افتادن در بیراهه و ابهامات کلامی نجات می‌دهد.

۲-۷-۲ تجرید: نوع دیگر عطف با استفاده از حرف عطف «و» و ترکیب دو مورد عام و خاص حاصل می‌شود. این محصول فرایند ترکیب دو مورد با استفاده از حرف عطف «و» نه هر حرف عطف دیگر است و هدف از این‌گنش آگاهی دادن بر ارزش مورد خاص است. نمونه تجرید را می‌توان در سوره شریفه «انعام»، آیه ۱۶۲ ملاحظه کرد. خدای تعالی می‌فرماید: «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ([ای پیامبر!] بگو: «نماز من، عبادت من، زندگی من و مرگ من همه برای الله آفریدگار جهان‌هاست») در این آیه «صَلَاتٍ» اخص و «نُسُكٍ» اعم است. توجه به این ظرافت معنایی و کاربرد آن در ترجمه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حال ببینیم در برگردان انگلیسی مترجمان تا چه حد به این نکته توجه و التزام عملی پیدا کرده‌اند.

Say: Lo! My worship and my sacrifice and living and my dying are for Allah, Lord of the worlds. (Pickthall, p. 139)

□ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم ۳۹ □

SAY: "My prayer and my devotion, my living and my dying,(all) belong to God, Lord of the Universe; (Irving, p. 150)

Say: Truly, my prayer and my service of sacrifice, my life and my death, are (all) for Allah, the Cherisher of the worlds. (Yusuf Ali, p. 150)

چنانچه بخواهیم فقط بر این مورد خاص، جدای از خطاهای نحوی و معنایی موجود در ترجمه‌ها، دقیق شویم، درمی‌یابیم که پیکتال در ایجاد شفافیت معنایی پیرامون ویژگیهای اخص و اعم دو واژه معطوف یعنی صلوات و نُسک کوشش قابل توجهی به عمل نیاورده است. همین خلط معنایی به نوعی در ترجمه ابروینگ مشاهده می‌شود. عبدالله یوسف علی در برگردان آیه، به نوعی تأکید را با به کارگیری قید Truly به مخاطبان انتقال داده، ولی «نُسک» را فقط به قربانی کردن محدود کرده است. به طور کلی، این نوع ترجمه بدون توجه به شرایط و عوامل حاکم بر فرایند سخن انجام شده و انتقال دهنده معنای مراد و نیز تأمین‌کننده نظرات متکلم زبان مبدأ نیست.

۸-۲ وصف - از سازوکارهای دیگر تأکید، به کارگیری صفت از ریشه موصوف است. نمونه بارز آن بخش پایانی آیه ۵۷ از سوره مبارکه «نساء» است که می‌فرماید: «...وَوُتِدْ خَلْتُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا» (... و همگان را در زیر سایه‌هایی ثابت و خنک پناه خواهیم داد). کاربرد صفت «ظَلِيلًا» علاوه بر تأکید، نوعی مبالغه در وصف را بیان می‌کند. بدیهی است انتقال این دو ویژگی در ترجمه به ویژه در زبانهای فارسی و انگلیسی تقریباً غیر محتمل به نظر می‌رسد. ضمن ملاحظه برگردان فارسی، توجه شما را به ترجمه‌های انگلیسی این بخش از آیه جلب می‌نمایم.

... and We shall make them enter plenteous shade. (Pickthall, p. 82)

... and We will show them into shady nooks. (Irving, p. 87)

... we shall admit them to shades, cool and ever deepening. (Yusuf Ali, p.87)

آن گونه که انتظار می‌رفت، ترجمه‌ها فاقد هرگونه تأکید و مبالغه در وصف‌اند. غیرمحتمل بودن انتقال این دو ویژگی (تأکید و مبالغه) به زبان مقصد از این علت ناشی می‌شود که ظرفیت دستگاه‌های نحوی - معنایی دو زبان مبدأ و مقصد متفاوت‌اند. مضافاً به اینکه سازوکارهای بلاغی زبانهای سامی با سازوکارهای زبانهای هند و اروپایی سنخیت و

مطابقت یک به یک ندارند. راهکار منطقی و عملی برای حل این معضل استفاده از سازوکار تأکیدی متعارف در زبان انگلیسی با رعایت شرایط و موقعیت حاکم بر سخن دو زبان مبدأ و مقصد است.

۹-۲ افزایش خنثی - گونه دیگر تأکید در زبان عربی، افزایش بر بنای واژه یا گروه واژه‌ای است که طی این فرایند از آن معنای مستقل جدیدی استنباط نشود. بدیهی است، هر نوع افزایش یا کاهش واژگانی یا ساختاری در نهایت به تغییراتی در حوزه معنایی (semantic domain) منجر خواهد شد.

کاربرد این نوع تأکید در قرآن به وفور دیده می‌شود، ولی به ذکر یک نمونه (یوسف، آیه ۲۳) بسنده می‌شود. حق تعالی می‌فرماید: «... وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ...» [روزی] درها را قفل کرد و گفت: «شتاب کن من برای تو آماده‌ام»... راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ القرآن «غَلَّقَ» و «غَلَّقَ» را به یک معنا دانسته است، مضافاً به اینکه «غَلَّقَ» را به عنوان دلالت داشتن بر استواری فعل (قفل کردن) و همچنین تکثیر در فاعل توضیح داده است. حال ببینیم سازوکار تأکید در برگردانهای انگلیسی چگونه منعکس شده است:

...She bolted the doors and said: Come! (Pickthall, p. 220)

...she bolted the doors and said: "Come here, you!" (Irving, p. 238)

...and she fastened the doors, and said: "Now come." (Yusuf Ali, p. 238)

ملاحظه می‌شود، تأکیدی که بر جمله‌واره «غَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ» (محکم بستن همه درها) وارد آمده در هیچ یک از ترجمه‌های انگلیسی دیده نمی‌شود. نمود این مشکل در برگردان فارسی نیز به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد علت این امر غفلت مترجمان از دریافت تفاوت معنایی بین «غَلَّقَ» و «غَلَّقَ» و دلالت تأکیدی باشد.

۱۰-۲ کاربرد مصدر پس از فعل - نوع دیگر تأکید، به کارگیری مصدر پس از فعل است. نمونه این گونه تأکید را می‌توان در سوره مبارکه «بقره»، آیه ۲۸۲ مشاهده کرد. خداوند رحمان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که وام مدت‌داری به یکدیگر می‌دهید آن را بنویسید...) در این آیه «تَدَايَيْتُمْ» فعل و «دِينٍ» مصدر است و هر دو مأخوذ از یک ریشه‌اند. در نتیجه، مصدر «بَدَيْنَ» مؤکد شده است. انتظار می‌رود در برگردان آیه کارکرد نحوی - معنایی (تأکید و مبالغه) به نحو مقتضی در زبان مقصد منعکس شود.

□ ۴۱ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

O ye who believe! When ye contract a debt for a fixed term, record it in writing... (Pickthall, p. 46)

You who believe, whenever you contract a debt for a stated period, write it down... (Irving, p. 48)

O ye who believe! when ye deal with each other, in transactions involving future obligations in a fixed period of time, reduce them to writing. (Yusuf Ali, p. 48)

متأسفانه در ترجمه‌های موجود نه تأکیدی دیده می‌شود نه مبالغه. نبود مبالغه شاید به علت تفاوت ظرفیتهای زبانهای مبدأ و مقصد باشد، ولی از مترجمان انتظار استفاده از سازوکاری متعارف در جهت تأکید جمله می‌رود.

۳. تأکید با قسم: یکی از متداول‌ترین سازوکارهای تأکید، کاربرد قسم است. در زبان عربی، قسم را می‌توان با استفاده از واجهایی نظیر /و/، /ت/ و /ب/ در جایگاه آغازین واژه محقق کرد؛ و برای مبالغه بیشتر از واژک /لا/ قبل از واج /و/ استفاده نمود. توجه داشته باشیم که «لا» در این بافت با «لای نافیه» تفاوت دارد و به هیچ عنوان نباید آن را به معنای نفی تلقی کرد. در سوره شریفه «نساء»، آیه ۶۵ دقت کنید که می‌فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ...» (نه! سوگند به آفریدگار - پروردگارت که ایمان آنها به ثبوت نمی‌رسد مگر اینکه در اختلافات خود تو را به داوری قبول کنند...) در برگردان انگلیسی آیه دقت کنید:

But nay, by thy Lord, they will not believe (in Truth) until they make thee judge of what is in dispute between them... (Pickthall, p. 83)

Yet by your Lord, they will never believe until they name you to judge concerning what they are quarreling over among themselves;... (Irving, p. 88)

But no by thy Lord, they can have no (real) faith until they make thee judge in all disputes between them... (Yusuf Ali, p. 88)

انعکاس قسم در ترجمه‌های موجود به همراه جملات نفی صورت گرفته است. لیکن دریافت ناصواب از واژه «لا» تلاش مترجمان را به جهتی سوق داده است که منجر به خلط معنا شده است. به نظر می‌رسد «لا» زایده‌ای که به هدف مبالغه بیشتر قبل از «و» قسم آمده، از جانب مترجمان به معنای نفی (واو نافیه) گرفته شده. از این رو، حالت تأکید در ترجمه رنگ باخته و جای تأکید را به نفی سپرده است. ماحصل این طرز تلقی نادرست، ترجمه‌های

نادرست و غیرمنطقی است.

۴. تقدّم معمول بر عامل - در زبان عربی مقدم داشتن هر چیزی که مؤخر باشد، دلالت بر تأکید می‌کند. از جهتی، اهل بیان مقدم داشتن معمول را دال بر حصر می‌دانند. توجه داشته باشیم که تقدّم معمول نباید به خاطر سجع آیه‌ها باشد. بخش آغازین آیه ۱۴۳ سوره مبارکه «بقره» نمونه روشن این سازوکار تأکید است. حق تعالی می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (و بدین گونه شما / مسلمانان / را امت میانه رو، معتدل و اسوه مقرر فرمودیم که شما گواه و ناظر بر اعمال مردم باشید و پیامبر گواه و ناظر بر اعمال شما باشد). از این جهت صله در شهادت اول مؤخر شده و در دومی مقدم. در اول منظور اثبات شهادت آنهاست و در دوم اثبات اختصاص داشتن آنان به شهادت پیامبر (ص) بر آنها. با توجه به ظرفیتهای موجود در زبان انگلیسی انعکاس این سازوکار با چنین فضایی تقریباً غیرممکن است. مترجم با بیان توضیحات لازم در پاورقی می‌تواند مخاطبان زبان مقصد را از وجود چنین ظرافت بلاغی آگاه سازد. به برگردان انگلیسی آیه توجه کنید:

Thus We have appointed you a middle nation, that ye may be witnesses against mankind, and that the messenger may be a witness against you. (Pickthall, p. 23)

Thus We have set you up as a moderate nation so you may act as witnesses for mankind, even as the Messenger is a witness for you. (Irving, p.22)

Thus have We made of you an Ummat justly balanced. That ye might be witnesses over the nations; and the Messenger a witness over yourselves; (Yusuf Ali, p. 22)

همان طوری که انتظار می‌رفت، در برگردان انگلیسی آیه، تأکید آن گونه که در زبان مبدأ از طریق تقدّم معمول بر عامل صورت گرفته، منعکس نشده است. علت این امر کاملاً روشن است. کاربرد چنین سازوکاری در زبان انگلیسی مفهوم تأکید را به مخاطبان (انگلیسی زبانها) انتقال نمی‌دهد. این ویژگی زبان عربی است و هیچ سنخیتی با زبان انگلیسی ندارد. وفاداری مترجمان به متن زبان مبدأ و عدم دریافت آنها از سازوکار تأکید به کار گرفته شده منجر به ارائه گزاره‌های ابتدایی عاری از تأکید شده است.

□ ۴۳ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

۵. تأکید بلاغی - از جمله سازوکارهای تأکید ادات قصر و حصر است که ذیلاً به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۵ حصر - سیوطی در جلد دوم الاتقان صفحه ۱۶۳ حصر را این چنین تعریف کرده است: حصر که به آن قصر هم می‌گویند، چیزی را به طور مخصوصی به چیز دیگر اختصاص دادن است، و نیز آمده است: اثبات حکم برای مذکور و نفی آن از غیر او. سیوطی قصر را بر سه قسم تقسیم کرده است: قصر افراد خطاب به کس یا کسانی که معتقد به شرکت‌اند واقع می‌شود، مانند سوره «نحل» آیه ۵۱، به کسی که بتها را با خداوند در الوهیت شریک می‌دانسته خطاب شده است. قصر قلب، به کسی خطاب می‌شود که حکم را بر غیر کسی می‌داند که متکلم برایش اثبات کرده است، مانند فرموده حق تعالی در سوره بقره، آیه ۲۵۸ «إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ» خطاب به نمرود شده که خود را زنده کننده و میراننده تصور کرده بود. قصر تعیین، خطاب به کسی است که هر دو امر نزد او برابرنند؛ مخاطب صفتی برای فرد خاصی اثبات نمی‌کند و برای او صفت خاصی قائل نمی‌شود.

۲-۵ شیوه‌های حصر

سازوکارهای حصر بسیارند، ولی به لحاظ محدودیت به ذکر فقط چند مورد اکتفا می‌شود. الف: نفی و استثنا - کاربرد این سازوکار در جایی است که مخاطب نسبت به حکم ناآگاه باشد و گاهی به اعتبار مناسبتی، معلوم به منزله مجهول فرض می‌شود، مانند فرموده حق تعالی در سوره آل عمران، آیه ۱۴۴ خطاب به صحابه که نسبت به رسالت پیامبر (ص) آگاه بودند، ولی فوت آن حضرت را بعید می‌شمردند، فرمود: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ...» (و محمد (ص) مانند دیگر پیامبران خواهد مُرد) در این آیه چیزی که نفی شده است بعید شمردن مرگ پیامبر است و آن حضرت استثنا نیست. بنابراین، ایشان مانند دیگر پیامبران است که مرگ به سراغش خواهد آمد. نتیجه اینکه کسی که مردن پیامبر را بعید بشمارد چنان است که رسالت ایشان را بعید شمرده است. قطعاً برگردان چنین ویژگی‌هایی به زبان انگلیسی بدون ارائه توضیحات غیرممکن به نظر می‌رسد. حال به ترجمه انگلیسی آیه توجه کنید:

Muhammad is but a messenger. (Pickthall, p. 65)

Muhammad is only a messenger. (Irving, p. 68)

Muhammad is no more than a messenger. (Yusuf Ali, p. 22)

ملاحظه می‌کنید که در هیچ یک از این ترجمه‌ها مؤلفه‌های معنایی دو واژگ «ما» و «الّا» با در نظر گرفتن موقعیت ارتباطی سخن و پیش‌انگاره‌های مخاطبان آیه و (نفی) مستثنی نکردن پیامبر اکرم از دیگر پیامبران و اثبات میرا بودن همه مخلوقات از جمله پیامبران که در متن و فرا متن زبان مبدأ وجود دارد به زبان مقصد (انگلیسی) منعکس نشده است. در اینجا مسئله قابل توجه نفی و استثنایی است که به حصر انجامیده است و در زبان مقصد به صورت تأکید مفرد بر واژه messenger (پیامبر) اعمال شده است. معنایی که از این برگردانها به دست می‌آید چنین است: «محمد (ص) فقط یک پیامبر است». آنچه در متن ترجمه مؤکد شده «پیامبر» است. این سازوکار بدون در نظر گرفتن عوامل منظورشناختی (pragmatics) به گویشوران زبان انگلیسی انتقال داده شده است.

ب: «انما» به مفهوم حصر است، مانند فرموده خدای تعالی: «أَنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ...» (بقره، ۱۷۳) که معنای آن می‌شود: «ما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْأَمْيْتَةَ و... - بر شما جز مردار و... را حرام نکرد». اکنون به برگردان انگلیسی این بخش از آیه توجه کنید:

He hath forbidden you only carrion, and blood, and swineflesh... (Pickthall, p. 27)

He has only forbidden you what has died by itself, blood and pork... (Irving, p. 26)

He hath only forbidden you Dead meat, and blood, and the flesh of swine,... (Yusuf Ali, p. 26)

تأکیدی که در اینجا صورت گرفته مستثنی کردن موارد حرام است و اینکه خداوند سبحانه چیزی غیر اینها را حرام نفرموده است. صرف نظر از اشکالات موجود در برقراری تعادل واژگانی، پیکتال با به کارگیری قید only قبل از موارد حرام، برگردانی مطلوب و منطقی ارائه داده است.

ج - به کارگیری «ان» برای تأکید و «ما» نیز برای تأکید. بنابراین دو تأکید که جمع شود حصر را می‌رساند. نمونه بارز این گونه تأکید سوره مبارکه «احقاف»، آیه ۲۳ است که می‌فرماید: «قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ» به مفهوم: لا اعلمها إِنَّمَا يعلمها الله = من آن را نمی‌دانم، فقط خدا آن را می‌داند.

□ ۴۵ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

He said: The Knowledge is with Allah only. (Pickthall, p. 506)

He said: "Knowledge rests only with God..." (Irving, p. 505)

He said: The Knowledge (off when it will come) is only with Allah
(Yusuf Ali, p. 505)

مترجمان بدون توجه به مفهوم گفتمانی، سعی در انعکاس ادات تأکید داشته‌اند و در نتیجه برگردان‌هایی متن‌مدارانه ارائه داده‌اند. بیکنال کل جمله را مؤکد کرده است، در حالی که ایروینگ و عبدالله یوسف علی گروه‌واژه‌های with Allah/with God را مورد تأکید قرار داده‌اند.

۶- کاربرد اسم به جای ضمیر - معمولاً از ضمیر به هدف جلوگیری از تکرار اسم استفاده می‌شود، ولی استفاده دوباره از اسم دلالت بر تأکید می‌کند. به باور سیوطی هدف از نوع تکرار، تقریر و تمکین بیشتر است. حق تعالی در سوره توحید آیه ۱ و ۲ می‌فرماید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ» (/ای پیامبر/ بگو: «خداوند آن ذات یگانه و آن خالق بی‌همتا است؛ خداوند آن بی‌نیاز مطلق / از وابستگی به مخلوقات / است...») استفاده دوباره از اسم در زبان انگلیسی متداول است، ولی کارکردهای معنایی گوناگونی از این تکرار به دست می‌دهد. به ترجمه‌های انگلیسی توجه کنید.

Say: He is Allah, the One! Allah, the eternally Besought of all!
(Pickthall, p. 636)

SAY: "God is Unique ! God is Source {for everything}; (Irving, p. 604)

Say: He is Allah, the One; Allah, the Eternal, Absolute
(Yusuf Ali, p. 604)

ملاحظه می‌شود که اسم «الله» (Allah یا God) در متن ترجمه تکرار شده است. به نظر می‌رسد علت تکرار وجود آن در متن زبان مبدأ باشد. به طور کلی هر سه ترجمه شکل محور و بدون وجود پیش‌فرض تأکید از جانب مترجمان ارائه شده است.

۷- تکرار و تقدیم مسندالیه - در یک فرایند نحوی در زبان عربی مسندالیه مقدم (واقع) می‌شود. نتیجه این فرایند تبدیل جمله فعلیه به جمله اسمیه است و بدین سان مسندالیه دوباره تکرار می‌شود. نقش دوگانه‌ای که مسندالیه به خود می‌گیرد بار اول به عنوان مبتدا و بار دوم به عنوان فاعل است. معنای نهایی که از تکرار و تقدیم مسندالیه به دست می‌آید دلالت بر

تقریر و تأکید می‌کند. نمونه این سازوکار سوره شریفه «مائده»، آیه ۱۱۶ است. حق تعالی می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ». (همچنین) در آن روز خداوند به عیسی پسر مریم خواهد فرمود: «آیا تو به مردم گفتی که به جای خداوند من و مادرم را پرستش کنید؟» («أَنْتَ قُلْتَ» تکرار مسندالیه است. چنین تأکیدی را با استفاده از ضمیر تأکیدی در زبانهای فارسی و انگلیسی می‌توان متعادل کرد. حال ببینیم مترجمان انگلیسی در این راستا چگونه عمل کرده‌اند؟

And when Allah saith: O Jesus, son of Mary! Didst/thou say unto mankind: Take me and my mother for two gods beside Allah? (Pickthall, p. 117)

When God said: "Jesus, son of Mary, have you told people: "Take me and my mother as two Gods instead of God [Alone]?" (Irving, p. 127)

And behold! Allah will say: O Jesus the son of Mary! Didst thou say unto men, Take me and my mother for two gods beside Allah? (Yusuf Ali, p. 127)

در هیچ یک از ترجمه‌ها سازوکار تأکیدی به کار گرفته نشده است. علت این امر شاید اشراف اندک مترجمان بر این سازوکار تأکیدی باشد. انتظار می‌رفت مترجمان (فارسی و انگلیسی) با به کارگیری ضمیر انعکاسی، تأکید را به گونه‌ای متعارف به مخاطب (مخاطبان) ارائه دهند.

نتیجه

مقوله جهانشمول تأکید که به هدف تثبیت کلام / برطرف کردن تردید از ذهن مخاطب به کار گرفته می‌شود، در همه زبانها نمود عینی و عملی دارد. تأکید اساساً در گزاره‌های طلبی و به‌ویژه گزاره‌های انکاری به کار گرفته می‌شود. علت به کارگیری تأکید در چنین گزاره‌هایی، برطرف کردن انکار و ایجاد زمینه باورمداری در ذهن مخاطب است. این ویژگی کمابیش در تمام زبانهای دنیا وجود دارد. زدودن شک و تردید و برطرف کردن زمینه(های) انکار از ذهن مخاطب (مخاطبان) سازوکارهای زبانی متناسب با شرایط و موقعیت ارتباطی کلام را می‌طلبد. بدیهی است، کاربرد سازوکارهای تأکید در همه زبانها یکسان نیست. ظرفیتهای زبان، نوع و شمار تأکیدها با توجه به میزان شک یا باورمندی مخاطب تعیین و تبیین می‌شود.

□ ۴۷ بررسی مقوله «تأکید» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم

سازوکاری که به هدف تأکید در زبانی به کار گرفته می‌شود، برگردان آن در زبان دیگر ممکن است غیر مؤکد و احیاناً بی‌معنا بنماید. بنابراین سازوکارهای تأکید مختص یک زبان، قابلیت تأکید در آن زبان را دارند و نباید آنها را بر زبانهای دیگر تحمیل کرد. آنچه در اولویت به‌کارگیری قرار دارد، شناخت است. به عبارت روشن‌تر، مترجم باید سازوکار تأکید را در گفتمان زبان مبدأ تشخیص دهد، آنگاه در مورد برقراری تعادل در ترجمه به دنبال راهکار مناسبی باشد تا بدان وسیله تأکید را در زبان مقصد عینیت بخشد.

در این بررسی مشکل اساسی را می‌توان در عدم شناخت مترجم از سازوکار تأکید در زبان مبدأ دانست. مسئله دیگر، کم‌توجهی مترجم به موقعیت ارتباطی حاکم بر سخن و برقراری تعادل در ترجمه است. به طور کلی، مترجمان در ایجاد تعادل در زمینه تأکید در حد انتظار عمل نکرده‌اند. هر چند عبدالله یوسف علی در انعکاس تأکید معنایی و عطف مترادف نسبت به پیکتال و ایروینگ بهتر عمل کرده، ولی در مواردی مانند تأکید مضاعف، تکرار واج، تکرار استثنا تأکید از طریق مفعول مطلق، وصف، افزایش خشتی، کاربرد مصدر پس از فعل، تقدم معمول بر عامل و شیوه‌های حصر از جانب مترجمان یاد شده دقت و توجه لازم به عمل نیامده است.

□

- حائری قزوینی، سید مهدی (۱۳۷۶)، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن (جلال الدین عبدالرحمن سیوطی)، جلد دوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- خسروی حسینی، سید غلامرضا (۱۳۸۳)، ترجمه مفردات الفاظ القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل «راغب اصفهانی»، تهران، انتشارات مرتضوی.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۷)، قرآن حکیم، چاپ اول، تهران، پارس کتاب.
- عبد الباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم (۱۳۶۴)، القاهرة، مطبعة دارالکتب المصرية.

□

انگلیسی

- Beekman, J. & Callow, J.(1974), *Translating the Word of God*, Grand Rapids, MI Zondervan.
- Gramily, S. & Patzold, K. (1992), *A Survey of Modern English*, London, Routledge.
- Irving, T.B. (2005), *The Quran (the Noble Reading)*, Tehran, International Publishing Co.
- Leech,G. & Svartvik, J. (1983), *A Communicative Grammar of English*, Essex, Longman Group Limited.
- McArthur, Tom (1986), *Lexicon of Contemporary English*, London, Longman Group Ltd.
- Messenger, E.W. & Taylor, P. (1989), *Essential of Writing*, Ontario (Canada), Prentice-Hall Canada Inc.
- Pickthall, Marmaduke (?), *The Glorious Qur'an*, Tehran, Salehi Publications.
- Quirk, R., Greenbaum, S. Leech, J., Svartvik, J. (1987) *A Comprehensive Grammar of the English Language* (two volumes), London & New York, Longman Group UK Limited.
- Shaw, H. (1986), *Handbook of English*, McGraw-Hill Book Co.
- Yusuf Ali, Abdulah (2004/1383), *The Glorious Quran*, Tehran, Jajarmi Publication.

■